

برداشت‌های گوناگون از مفهوم جمهوریت در تاریخ جمهوری خواهی ایران

محسن مدیرشانه‌چی^۱

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

حسین شریعتی

دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

(تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۱۰ - تاریخ تصویب: ۹۵/۲/۱۲)

چکیده

جمهوری خواهی در ایران از زمان طرح در دوره قاجار تا زمان وقوع در انقلاب اسلامی و پس از آن با برداشت‌ها و تفاسیر گوناگون ارائه و پیگیری شده است. ایرانیان که بر اثر سابقه طولانی حکومت‌های پادشاهی مطلقه وراثتی، فاقد تجربه دموکراسی بودند، بر اثر کسب آگاهی‌های ناشی از ورود مفاهیم سیاسی جدید، به اعتراض علیه حکومت استبدادی پرداختند. سلطنت، نماد استبداد و اصلی‌ترین مانع تحقق اراده سیاسی ایرانیان دانسته می‌شد. در نتیجه به‌رغم آمیختگی سلطنت با سنت و کسب مشروعیت از جانب مذهب، جامعه ایران خواستار محو سلطنت شد. بدیهی است که جایگزین سلطنت، جمهوری است. در نتیجه جمهوری خواهی ایرانی بیش از آنکه مفهومی ایجابی و در راستای ایجاد یک نظام دموکراتیک باشد، مفهومی سلبی بود که صرفاً در پی محو نظام سلطنتی به عنوان نماد استبداد مطلقه بوده است.

واژگان کلیدی

استبداد، جمهوری خواهی، دموکراسی، سلطنت، مشروطیت

مقدمه

اوج‌گیری جمهوری‌خواهی به‌عنوان نوعی نظام سیاسی که براساس ارزش‌های جهان‌شمول اعمال می‌شود باید از قرن نوزدهم پی گرفته شود که در آن لیبرالیسم و بورژوازی با این مفهوم درآمیختند و برخلاف نوع کلاسیک جمهوری که فضیلت عمومی و سلحشوری را مبنای خود معرفی می‌کرد، ملاک آن بر آزادی در حوزه خصوصی و فردگرایی نهاده شد (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۱۳). این جمهوری با دموکراسی عجین است و افراد را به پیگیری حقوق شهروندی ترغیب می‌کند و از مفهوم تبعه صرف خارج می‌سازد (لیست، ۱۳۸۲: ۵۳۱).

نخستین تجلی آشنایی ایرانیان با غرب و بروز خودآگاهی با تکوین اندیشه اصلاحگری شکل گرفت. اصلاحات و روشنگری‌ها بستر تحولی را در ایران فراهم آورد که اوج آن در انقلاب مشروطه بروز یافت و در مفاهیم جدید مانند آزادی، جمهوری، مشروطیت و قانون به‌واسطه فقدان پیشینه نه‌فقط در زبان که در ذهنیت و تاریخ ایرانیان فاقد تصویری روشن بود (کدیور، ۱۳۷۸: ۲۵۳). بنابراین، مواضع گوناگونی از جانب گروه‌های مختلف به‌صورت سلبی یا ایجابی درباره آن اتخاذ شد. مفاهیم جدید، سنت چندهزار ساله ایرانی را با تزلزل مواجه کرد (آپتون، ۱۳۵۹: ۸۶). تحولات در طول بیش از یک سده تحت تأثیر همین فضای نیمه‌سستی - نیمه‌مدرن واقع و جمهوریت به‌عنوان مفهومی جدید در ادوار مختلف طرح شد؛ آرمانی که برخلاف آنچه در غرب رخ داد و اندیشه جمهوری مقدم بر صورت‌بندی آن بود، بر پایه زمینه ذهنی و تئوریک بنا نشد و عملاً فاقد مقدمات لازم برای تحقق بود (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۳). همین امر به شکست جنبش‌های جمهوری‌طلبانه دوره‌های مختلف تاریخ معاصر ایران انجامید تا اینکه با آمیختگی مفاهیم جمهوریت و مذهب در انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی شکل گرفت. با این حال پیش از ایجاد جمهوری - در ادوار سلطنت مطلقه و مشروطه - شاهد تحولات جمهوری‌خواهانه بوده‌ایم، به‌نحوی که به تعبیری جمهوری‌خواهی وجه غالب کنش‌های سیاسی تاریخ معاصر ایران بوده است (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۳: الف: ۲۵۷). با این پیش‌درآمد، پرسش اصلی پژوهش حاضر از این قرار است که مفهوم جمهوریت با چه برداشت‌هایی در تاریخ جمهوری‌خواهی ایران مطرح شده است؟

بر این اساس، به سیر تحول جمهوری‌خواهی و مراد از آن در تاریخ معاصر ایران می‌پردازیم.

۱. انقلاب مشروطه و تحولات مرتبط با آن

از میانه عصر قاجار مفاهیم جدید وارد ادبیات سیاسی ایران شد. این امر محصول بازگشت دانشجویان اعزامی به فرنگ بود که علاوه بر آشنایی با مفاهیم به انتقال آنها از طریق ترجمه و

نگارش سفرنامه و غیره پرداختند (مدنی، ۱۳۶۹: ۱۱). بازگشت این دانشجویان با اتهام بی‌دین و جمهوریت‌طلب شدن آنان صورت پذیرفت (آدمیت، ۱۳۸۵: ۶۴). نخستین اشاره به جمهوریت در سفرنامه میرزا صالح شیرازی آمده است. او دولت برخاسته از انقلاب فرانسه را دولت بدون پادشاه معرفی می‌کند (اتابکی، ۱۳۸۵: ۶۹).

وجود انگاره‌های سنتی نسبت به نهاد سلطنت موجب می‌شد که هر نوع باور جمهوری خواهانه به واسطه مخالفت با سلطنتی که مشروعیت خود را از علمای دینی گرفته بود، بی‌دینی و اباحی‌گری تلقی شود و دگراندیشان نیز با اتهاماتی چون بی‌دینی و جمهوری خواهی محکوم و مه‌دور شوند. با این حال روند تحولات، توقف‌ناپذیر می‌نمود، به گونه‌ای که با مرگ محمدشاه برخی از رجال در پی تبدیل حکومت به جمهوری بودند تا از رهگذر آن «امورات دولتی را منوط به مصلحت دید جمعی» نمایند (جهانگیرمیرزا، ۱۳۲۷: ۳۱۷).

اولین نشانه‌های جمهوری خواهی عصر ناصری را در تأسیس فراموشخانه میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله دانسته‌اند که در آن جمهوری خواهی تبلیغ شده و زمینه‌سازی برای ریاست جمهوری شاهزاده جلال‌الدین میرزا نیز صورت پذیرفته است (رحمانیان، ۱۳۷۹: ۱۰-۹). برخی مانند اعتمادالسلطنه با اشاره به اینکه جمهوریت لازمه فراماسونری است، شخص ملکم را نیز جمهوری خواه عنوان کردند (سفری، ۱۳۷۰: ۳۲). سید جمال‌الدین اسدآبادی را نیز برخی طرفدار جمهوری دانسته‌اند (ملکزاده، ۱۳۲۹: ۲۵۲).

با مرگ ناصرالدین‌شاه جنبشی جمهوری خواهانه در همدان شکل گرفت که به سرعت سرکوب شد (رحمانیان، ۱۳۷۹: ۱۴). در دوران سلطنت مظفرالدین‌شاه هر حرکت اصلاح‌گرانه‌ای با اتهام جمهوری خواهی به حاشیه رانده می‌شد؛ از جمله اقدام علیه نوز بلژیکی (فرمانفرماتیان، ۱۳۴۱: ۱۱۸).

روشنگری‌ها و مبارزات آزادیخواهان و قانون‌طلبان عصر قاجار به تکوین انقلاب مشروطه انجامید. تدوین قانون اساسی نخستین دستاورد مشروطه‌خواهان بود. پس از تصویب قانون اساسی یکی از نمایندگان در مصاحبه با روزنامه «تان» فرانسه نارضایتی خود را از این قانون ابراز و قانون اساسی فرانسه را نمونه مطلوب معرفی کرد (کاتوزیان طهرانی، ۱۳۷۹: ۴۰۵). این ظن می‌رود که فرد مذکور سید حسن تقی‌زاده باشد؛ چرا که بر قصد او در ایجاد جمهوری در ایران و ریاست جمهوری خویش گمان‌هایی وجود دارد (نجفی، ۱۳۷۶: ۱۶۳).

همزمان با فعالیت مجلس اول، موضع‌گیری علیه شخص شاه در مجلس و حتی سخن از عزل وی و ایجاد حکومت جمهوری در بیرون از مجلس شنیده می‌شد و نشریات نیز گاه در این زمینه مطالبی می‌نگاشتند. سودای برقراری جمهوری به کسانی چون ظل‌السلطان و سردار اسعد نسبت داده شده است (افشاری، ۱۳۸۳: ۹۳؛ صفایی، ۱۳۴۴: ۲۸۱). در این دوران به مجرد وقوع

نابسامانی و اوج گیری مخالفت‌ها- چه در زمان محمدعلی‌شاه و چه در زمان احمدشاه- جمهوری شدن نظام سیاسی ایران مطرح می‌شد (مکی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۴۶).
با وقوع انقلاب روسیه و تأثیر آن بر ایران و به‌ویژه ایرانیانی که به قفقاز مهاجرت کرده بودند، احزابی تشکیل شد که آشکارا یا پنهانی در مسیر جمهوری‌خواهی در حرکت بودند (مؤسسه مطالعات، ۱۳۸۵: ۱۸۳-۱۸۲).

۲. جنبش جنگل

جنبش جنگل به‌مثابه نهضتی میهن‌پرستانه، در نگاه روس‌ها می‌توانست انگلستان را از ایران خارج کند و از رهگذر این مسئله، ایران به جمهوری‌هایی کوچک در اطراف مرزهای شوروی سوسیالیستی تقسیم شود (رئین، ۱۳۵۷: ۷؛ مصلی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۹۲). جنگلی‌ها در اردیبهشت ۱۲۹۹ قراردادی با روس‌ها منعقد کردند که براساس آن یک رژیم جمهوری انقلابی موقت برقرار می‌شد (فخرایی، ۱۳۵۱: ۲۴۴).

بدین سان رسماً اولین حکومت جمهوری در بخشی از ایران اعلام شد. جمهوری گیلان به‌نام ملت ایران تلگراف‌هایی به سفارتخانه‌های دول خارجی ارسال و انحلال سلطنت و اعلام جمهوری شورایی را به اطلاع رساند (رواسانی، ۱۳۶۳: ۱۶۸-۱۶۷). جمهوری مورد نظر میرزا یک جمهوری ملی اما جناح کمونیستی متأثر از حزب کمونیست شوروی در پی نوعی جمهوری سوسیالیستی انترناسیونالیستی بود (کریمی، ۱۳۸۰: ۳۸).

۳. قیام خیابانی

انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ موجب آغاز قیام تبریز به رهبری شیخ محمد خیابانی شد. خیابانی هدف قیام خود را دموکراسی و آزادی و احیای مشروطه عنوان کرد و جمهوری‌خواه بودن خود و قیامش را رد نمود، اما اعلام جمهوری و عزل شاه را بسته به نظر ملت دانست (آذری، ۱۳۲۹: ۳۸۵؛ اتابکی، ۱۳۸۵: ۷۲). در یک گردهمایی در تبریز، عکس احمدشاه برداشته و اعلام جمهوری شد (میرزاصالح، ۱۳۶۹: ۱۲۵). هواداران خیابانی نیز شعار زنده‌باد جمهوریت سردادند (کسروی، ۱۳۷۸: ۱۵۴). مخبرالسلطنه هدایت این حرکت را متأثر از قیام‌های جمهوری‌خواهانه قفقاز می‌داند (هدایت، ۱۳۸۵: ۳۳۹). برخی اندیشه خیابانی را موج اول جمهوری‌خواهی در ایران خوانده‌اند که در آن تفکر جداسازی قدرت از ساختارهای کهن شکل گرفت (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۸۳).

۴. قیام پسیان

کنل محمدتقی‌خان پسیان در شهریور ۱۲۹۹ به ریاست ژاندارمری خراسان منصوب شد و در اردیبهشت ۱۳۰۰ کمیته ملی خراسان را تأسیس کرد (کرونین، ۱۳۷۷: ۱۹۱-۱۹۰). کنسول انگلیس

حزب ملیون در مشهد را خواهان ایجاد جمهوری بلشویکی خواند (رحمانیان، ۱۳۷۹: ۷۲). در تلگرافی منسوب به پسیان خطاب به محمودخان نوذری، آرزوی وی جمهوری شدن خراسان عنوان شد (بهار، ۱۳۷۲: ۱۵۸-۱۵۱). این تلگراف تنها سندی است که به موجب آن حرکت کلنل را جمهوری خواهانه نام نهاده‌اند. عده‌ای جمهوری خواهی را اتهامی علیه پسیان و تلگراف منسوب به او را جعلی می‌خوانند (آذری، بی‌تا: ۳۲۱؛ متولی حقیقی، ۱۳۸۵: ۹۱). در مقابل به نوشته کسانی چون محمدتقی بهار و عبدالله مستوفی وی در صدد برقراری جمهوری در خراسان بود (بهار، ۱۳۷۲: ۱۸۵-۱۵۱؛ مستوفی، ۱۳۴۳: ۳۵۳-۳۵۱).

۵. قیام لاهوتی

در بهمن ۱۳۰۰ گروهی از افسران ژاندارمری مستقر در شرفخانه به رهبری ابوالقاسم خان لاهوتی قیامی را آغاز کردند که کمونیست‌های تبریز و حامیان خیابانی نیز به آن پیوستند (جاوید، ۱۳۵۹: ۶۵؛ هدایت، ۱۳۶۳: ۲۶۴). در این میان عده‌ای با پایین کشیدن عکس احمدشاه اعلام جمهوری کردند (بیات، ۱۳۷۶: ۶۴). لاهوتی به مخبرالسلطنه والی تبریز پیشنهاد ریاست جمهوری ایران را داد که وی آن را نپذیرفت (هدایت، ۱۳۸۵: ۳۳۳). هرچند لاهوتی در بیانیه‌های خود اشاره‌ای به تعیین نوع رژیم حکومتی نکرد، برخی وی را جمهوری خواه (ملایی‌توانی، ۱۳۸۱: ۳۳۳) و خواهان جمهوری ملی سوسیالیستی خوانده‌اند (رحمانیان، ۱۳۷۹: ۹۷-۹۶).

۶. جمهوری خواهی سردار سپه

وقوع کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، عدم وجاهت قاجاریه در میان مردم و بیانیه نخست‌وزیری سیدضیاءالدین طباطبایی که در آن اشاره‌ای به شاه نشده بود، انقراض قاجاریه را امری محتوم و ریاست جمهوری وی را محتمل نشان می‌داد (غنی، ۱۳۷۷: ۳۲۷). مردم با توجه به تحولات روسیه باور داشتند که حکومت آینده یک جمهوری سوسیالیستی مشابه شوروی خواهد بود (میرزاصالح، ۱۳۶۹: ۱۵). برخی گفتند سیدضیا درصدد ایجاد خصومت میان احمدشاه و ولیعهد بود تا از این راه خود را رئیس جمهور کند (مکی، ۱۳۸۰: ج ۱: ۲۶۹). وی به علت ناکامی در ترغیب ولیعهد به این مسئله، در پی تسلیح ارامنه داشناک بود تا از طریق آنان به کودتای دوم و استقرار جمهوری دست زند که ناکام ماند (رحمانیان، ۱۳۷۹: ۶۲-۶۱). انقراض خلافت عثمانی و استقرار جمهوری در ترکیه از دیگر زمینه‌های افزایش تمایل به حکومت جمهوری در ایران بود. صحبت اصلی بسیاری از نشریات، نفی سلطنت موروثی و ضرورت استقرار جمهوری بود. روزنامه‌های شفق سرخ و ستاره ایران و نشریه ایرانشهر در شمار این جراید بودند (پاولویچ و دیگران، ۱۳۵۷: ۱۶۷؛ ملیکف، ۱۳۵۸: ۸۲-۷۳؛ کاظم‌زاده ایرانشهر، ۱۳۰۳: ۱۶۳-۱۶۲).

برخی چهره‌های سیاسی از جمله علی دشتی و بعضی روحانیون همچون نائینی خواهان برقراری جمهوری و ریاست جمهوری سردار سپه بودند (دشتی، ۱۳۵۴: ۱۲۸؛ حائری، ۱۳۸۱: ۱۹۱). در مقابل نمایندگان و رجالی چون مدرس، بهار، مهدی‌قلی‌خان هدایت، یحیی دولت‌آبادی، خالصی‌زاده و حائری‌زاده نیز هر یک به دلیلی از مخالفان جمهوری بود (بهار، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۵). گروه‌ها و احزاب گوناگون نیز در این زمینه اعلام موضع کردند. احزاب کمونیست، تجدد و سوسیالیست هر یک به دلیلی از موافقان جمهوری بودند (مرادی مراغه‌ای، ۱۳۸۲: ۱۴۶؛ مصلی‌نژاد، ۱۳۸۳ الف: ۳۱؛ رحمانیان، ۱۳۷۹: ۱۹۱-۱۹۰). همچنین در زمستان ۱۳۰۲ حزب جمهوری ایران تأسیس شد (ملیکف، ۱۳۵۸: ۷۸-۷۷).

به این ترتیب جریان‌های منتقد در میان مردم و نخبگان، له یا علیه جمهوری فعالیت کردند. از یک‌سو وجود شخصیتی مقتدر و اصلاح‌طلب جهت بسامان کردن امور امری مطلوب بود، اما جامعه روشنفکری ایران از فضای نظامی و احتمالاً تمایل به استبداد سردار سپه نگران بود (کرونین، ۱۳۸۲: ۱۱۱). از این‌رو مخالفت و موافقت با جمهوری، اغلب مسئله‌ای ریشه‌ای نبود، بلکه در نگرانی از نقش سردار سپه به‌عنوان حامی اصلی و نامزد بی‌تردید ریاست جمهوری ایران ریشه داشت. اصلی‌ترین جریان حامی رضاخان در این مسئله ارتش بود (اتابکی، ۱۳۸۵: ۱۵۱-۱۵۰). در مجلس نیز که با اکثریت هوادار سردار سپه تشکیل شده بود، در مراسم تحلیف، نمایندگان حامی جمهوری سوگند وفاداری به شاه نخوردند (شمیم، بی‌تا: ۶۴۱). در اواخر اسفند ۱۳۰۲ رضاخان برای نخستین بار از تمایل برای ریاست جمهوری بر ایران سخن گفت (مهدی‌نیا، ۱۳۸۱: ۴۸۱).

فضا کاملاً به‌سمت تغییر نظام پیش می‌رفت. حتی مقادیری سکه طلا و نقره با عنوان جمهوری ضرب شده بود تا در نوزاد از سوی رئیس جمهور به مقامات اهدا شود (مکی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۵۲). همه چیز مطلوب جمهوری خواهان پیش می‌رفت، اما اختلافات و درگیری‌های درون و بیرون مجلس سرانجام به توافقی منجر شد که طی آن رضاخان از جمهوریت دست کشید و مجلس نیز به حمایت از احمدشاه پایان داد و سرانجام زمینه برای انتقال سلطنت فراهم شد. بدین سان جریان جمهوری خواه هرچند از هدف ایجابی خود بازماند، هدف سلبی خود را که محو قاجاریه بود، به ثمر رسانید و جامعه ایرانی که تمایل به تغییر را در خود می‌دید، در پی ناکامی جمهوری، به سمت سلطنت مطلقه مدرن رفت (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۳ الف: ۳۰۰-۲۹۵ و ۷۸-۷۷).

جمهوری خواهی در دوران پهلوی

۱. جمهوری خواهی در دوره سلطنت رضاشاه

نخستین حرکت جمهوری خواهانه در دوره سلطنت رضاشاه پهلوی از سوی دانشجویان اعزامی به اروپا به رهبری تقی ارانی، مرتضی علوی و احمد اسدی در پاییز ۱۳۰۴ در برلین و با ایجاد فرقه جمهوری انقلابی ایران بنا نهادند (احمدی، ۱۳۷۹: ۱۱؛ بروجردی، ۱۳۸۲: ۳۴-۳۱ و ۴۴۸-۴۴۶).

حزب کمونیست ایران نیز از جمله احزاب سیاسی بود که در دوره سلطنت رضاشاه مشی خود را ایجاد نظام جمهوری در ایران اعلام کرد. به نوشته آبراهامیان، هدف نهایی حزب کمونیست ایران برقراری یک جمهوری فدرال بود (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۱۲۷). در دی ۱۳۰۴ برخی از ایرانیان مقیم قفقاز خواستار لغو سلطنت و ایجاد حکومت کمونیستی شدند. در آبان ۱۳۰۵ جزوه بیان حق فرقه جمهوری انقلابی ایران که در آلمان چاپ شده بود، در تبریز و گیلان توزیع شد و ملت را به انقلاب و جمهوری دعوت کرد. همچنین سیدابوالقاسم موسوی از افراد نزدیک به کمونیست‌ها به تلاش علیه دولت و جمهوری خواهی متهم شد (بیات، ۱۳۷۰: الف: ۳۴-۲۹). گزارش‌هایی از برخی اقدامات جمهوری خواهانه در ترکمن صحرا و بختیاری در سال‌های ۱۳۰۵ و ۱۳۰۷ منتشر شد (الموتی، ۱۳۶۷: ۲۴۷؛ هدایت، ۱۳۸۵: ۳۸۳). در زمان رضاشاه همچنین حزب ترقی با این گمان که «نیات خطرناک جمهوری خواهانه» دارد، تعطیل شد. در سال ۱۳۰۹ نیز گروهی از دانشجویان مخالف در اروپا در شهر کلن آلمان کنگره‌ای تشکیل دادند و خواستار تشکیل حکومت جمهوری در ایران شدند.

با ورود متفقین به ایران و برکناری رضاشاه، انگلیسی‌ها و روس‌ها به رجالی چون فروغی، ساعد و سهیلی پیشنهاد ریاست جمهوری دادند که نپذیرفتند.

۲. جمهوری خواهی در دوره سلطنت محمدرضاشاه

۱.۲. قیام‌ها و جنبش‌های محلی

قیام صولت‌السلطنه هزاره در زمستان ۱۳۲۰ که به اعزام قوای دولتی و تسلیم وی انجامید، از جانب مرکز نشینان اقدامی جمهوری خواهانه تعبیر شد (بیات، ۱۳۷۰: ب: ۸۸). همچنین در سال ۱۳۲۱ حزب آزادی کردستان تأسیس و در مرامنامه آن بر «تبلیغ مرام دموکراسی و آزادی مطلق مطابق اصول جمهوریت به مردم کردستان» تأکید شد (طیرانی، ۱۳۷۶: ۲۹). این تشکیلات در نهایت به ایجاد فرقه دموکرات کردستان در سال ۱۳۲۴ انجامید که با شکست فرقه و اعدام قاضی محمد رهبر فرقه پایان رسید. از حکومت فرقه گاه با عنوان جمهوری مهاباد یاد شده است. در موردی دیگر بنا به روایتی شوروی قصد داشت در سال ۱۳۲۷ جمهوری طبرستان را در شمال ایران بنیان گذارد (میرزاصالح، ۱۳۶۹: ۴۲؛ مؤسسه مطالعات، ۱۳۸۱: ۴۸۵).

۲.۲. نخست وزیران و مسئله جمهوری خواهی

از میان نخست وزیران این دوران که در مسئله جمهوریت گاه نام آنان نیز به میان آمده است، به احمد قوام، حاجعلی رزم‌آرا، محمد مصدق و علی امینی می‌توان اشاره کرد. در برخی منابع از زمینه‌سازی احمد قوام برای ریاست جمهوری و نیز پیشنهاد کودتا از سوی مظفر فیروز به رزم‌آرا، ریاست جمهوری قوام و نخست‌وزیری رزم‌آرا سخن گفته شده است (دهباشی، ۱۳۸۰: ۲۵۰؛ کشاورز، ۱۳۵۷: ۱۱۶-۱۱۵). با این حال، قوام در دیدار با اشرف در آذر ۱۳۲۶ پس از شنیدن نگرانی‌های دربار از جاه‌طلبی‌های او، خود را وفادار به سلطنت عنوان کرد (فرزاد، ۱۳۸۶: ۷۰۹).

با انتخاب رزم‌آرا به نخست‌وزیری در تیر ۱۳۲۹، احتمالات فراوانی به اقدام او در تغییر نظام سیاسی ایران و ایجاد جمهوری داده می‌شد. برخی نشریات داخلی و خارجی او را با رضاخان مقایسه می‌کردند و نخست‌وزیری او را مقدمه کودتا و حذف شاه می‌خواندند. بعضی نیز وی را در پی ایجاد یک حکومت جمهوری چپ با حمایت شوروی دانستند (عظیمی، ۱۳۷۲: ۳۳۲). ترور شاه در بهمن ۱۳۲۷ را نیز برخی به رزم‌آرا نسبت دادند؛ چرا که مرگ شاه با توجه به نفوذ رزم‌آرا در مجلس و نقش او در ارتش و ارتباط وی با سفارتخانه‌ها، شرایط را برای مقاصد وی مهیا می‌کرد (طلوعی، ۱۳۷۲: ۳۸۰). اشاره شده است که رزم‌آرا اسکناس‌هایی با عکس خود و لباس نظامی چاپ کرده بود (مهدی‌نیا، ۱۳۶۳: ۲۷۲).

ظهور دولت مصدق این گمانه را تقویت کرد که ایران نیز همانند بسیاری دیگر از کشورهای آسیایی به سمت رادیکالیسم طبقه متوسط و نوعی نظام جمهوری در حرکت است؛ چراکه از سال ۱۳۰۴ به این سو هرگز شاه به این میزان ضعیف و نخست‌وزیر مقتدر نشده بود (سلسله پهلوی، ۱۳۷۱: ۹۳). مصدق با اطلاع از نگرانی شاه اعلام داشت که هرگز حاضر نخواهد شد که مملکت به سمت جمهوری برود (بیل و لوئیس، ۱۳۶۸: ۱۷۸). در همین ایام قصد حسین مکی برای رسیدن به ریاست جمهوری نیز مطرح بوده است (بهرامی، ۱۳۸۰: ۱۱۳). در ۲۵ مرداد میتینگ در میدان بهارستان برگزار شد که در آن نطق‌های تندی علیه شاه ایراد شد و مردم شعارهای «مرده باد شاه» و «جمهوری می‌خواهیم» سر دادند (بزرگمهر، ۱۳۷۸: ۴۲). دکتر فاطمی با اشاره به همدستی دربار و استعمار محو سلطنت را خواستار شد (نجفی، ۱۳۶۸: ۷۲). وی به دستور نخست‌وزیر با عده‌ای سرباز به کاخ شاه رفت و اتاق‌ها و ساختمان‌ها را مهروموم کرد (زعیم، ۱۳۷۷: ۲۸۴). پیشتر سفیر فرانسه پس از دیدار با فاطمی، وی را «یقیناً جمهوری‌خواه» معرفی کرده بود (رهنا، ۱۳۸۴: ۹۴۸). در اسناد وزارت خارجه ایالات متحده هم از فاطمی به‌عنوان کسی که خواهان ایجاد "یک جمهوری دموکراتیک با حمایت توده‌ای‌ها" است نام برده شده است (طلوعی، ۱۳۷۲: ۶۸۱). غلامحسین صدیقی وزیر کشور نیز دستور فراهم کردن مقدمات برگزاری همه‌پرسی برای

تعیین سرنوشت کشور را صادر کرد (زعیم، ۱۳۷۷: ۲۹۳). این اقدامات به شکل واضحی شرایط کشور را برای تغییر نظام سیاسی مهیا نشان می‌دهد.

در ۲۶ و ۲۷ مرداد مردم مجسمه‌های رضاشاه را شکستند و تصاویر شاه از ادارات پایین آمد (نجفی، ۱۳۷۷: ۲۷۲). همچنین سرود شاهنشاهی از رادیو پخش نشد و نام شاه از سلام صبحگاهی ارتش حذف شد (زعیم، ۱۳۷۷: ۲۸۶). نام دهخدا نیز به عنوان رئیس جمهور احتمالی ایران مطرح شده بود (یعقوبی، ۱۳۷۷: ۱۵۵). خبرگزاری‌های غربی، ایران را در آستانه تغییر نظام سیاسی می‌دیدند. یونایتدپرس از تهران گزارش داد که هرچند شخص مصدق موافق جمهوری نیست، مردم خواهان الغای سلطنت هستند. آسوشیتدپرس نیز فرار شاه و ثریا از کشور را مترادف با ختم سلطنت در ایران شمرد (شیفته، ۱۳۶۴: ۳۳۴-۳۳۱). هندرسون سفیر آمریکا اقدام مصدق در تشکیل شورای سلطنت را مقدمه اعلام جمهوری ذکر کرد (امیرخسروی، ۱۳۷۵: ۶۰۰).

از سوی دیگر حزب توده نیز پس از کودتای ۲۵ مرداد در بیانیه‌ای خطاب به ملت رسماً خواستار انحلال سلطنت و ایجاد جمهوری دموکراتیک شد (نجاتی، ۱۳۷۶: ۷۵؛ امیرخسروی، ۱۳۷۵: ۵۸۵). توده‌ای‌ها عکس‌های شاه را برداشتند و عکس رادمش دبیر کل حزب توده را جایگزین آن کردند و نیز خیابان شاه را به جمهوری تغییر نام دادند (ضیاء ظریفی، بی تا: ۱۶؛ زعیم، ۱۳۷۷: ۲۸۴). مصدق با نگرانی از اقدامات تندروانه حزب توده دستور جمع‌آوری اعلامیه‌های حزب را صادر کرد، اما حزب توده تأکید داشت که بایستی جمهوریت را به مصدق "قبولانیم" (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۳۳؛ امیرخسروی، ۱۳۷۵: ۵۷۸). در درون طیف حامی دکتر مصدق نیز اختلاف‌نظرهایی به چشم می‌خورد. دکتر صدیقی موضع جبهه ملی را موافق جمهوری نمی‌دانست، اما این جبهه طی ۲۵ تا ۲۷ مرداد خطر شاه را تمام‌شده می‌دانست و خواهان تحدید حزب توده و ممانعت از گسترش نفوذ کمونیست‌ها بود (خلیل ملکی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹: ۱۳۹۲؛ آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۲۹۳). حزب ایران، جمعیت آزادی مردم ایران و نیروی سوم از جمله احزابی بودند که خواستار لغو سلطنت و برقراری جمهوری شدند (بزرگمهر، ۱۳۷۸: ۳۰۷؛ نکوروح، ۱۳۷۷: ۲۱۷؛ خلیل ملکی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹: ۱۵۱).

مصدق در دادگاه نظامی به جرم تلاش در ایجاد جمهوری و اقدام علیه سلطنت محاکمه شد. وی در دفاعیات خود اظهار داشت: «من نه فقط با جمهوری دموکراتیک، بلکه با هر رقم دیگر آن هم موافق نبودم. چون که تغییر رژیم موجب ترقی مملکت نمی‌شود و تا ملتی دانا و رجالی توانا نباشد کار مملکت به همین منوال خواهد گذشت» (بزرگمهر، ۱۳۷۸: ۱۹۵؛ مصدق، ۱۳۶۹: ۲۷۳-۲۷۲)؛ به این ترتیب جمهوری خواهی دوران مصدق نیز فرجامی نیافت.

در پی پیشنهاد نخست وزیر امینی، آمریکا ضمن حمایت از وی به شاه گوشزد کرد که در صورت عدم پذیرش این پیشنهاد سلطنت را ساقط و امینی را به ریاست جمهوری خواهد

رسانید (دکتر علی امینی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹: ۲۹-۲۷). شاه نسبت به امینی چندان خوشبین نبود و احتمال تدارک یک کودتا از جانب وی را محتمل می‌پنداشت (طلوعی، ۱۳۷۲: ۴۳۰). در عین حال امینی پس از دریافت حکم، خود را در خدمت شاه دانست، اما از وی خواست تا در امور حکومتی مداخله نکند (نجاتی، ۱۳۷۱: ۱۷۳).

۳.۲. چهره‌های شاخص جمهوری خواه

از میان دیگر شخصیت‌های سیاسی که در موضوع جمهوری خواهی در این دوران از آنان نیز یاد شده است، از جمله از سید ضیاءالدین طباطبایی، احمد آرامش و تیمور بختیار می‌توان نام برد.

با ورود سید ضیاءالدین طباطبایی در سال ۱۳۲۰ به کشور و آغاز مجدد فعالیت‌های سیاسی وی، خالصی‌زاده یزدی از مخالفان طرح مسئله جمهوری از سوی سردار سپه، خواستار تغییر حکومت ایران به جمهوری و ریاست جمهوری سیدضیا شد (نجمی، ۱۳۵۹: ۱۹). این امر هرگز به جنبشی فراگیر تبدیل نشد.

احمد آرامش که مدتی ریاست سازمان برنامه و بودجه را به عهده داشت و زمانی گروه ترقی خواهان را تشکیل داد، در سال ۱۳۴۰ موجودیت کمیته جمهوری خواهان را اعلام کرد. وی در دی ۱۳۴۴ به ده سال زندان محکوم شد و پس از آزادی در مهر ۱۳۵۲ در پارک فرح توسط مأموران انتظامی به ضرب گلوله به قتل رسید.

نقل شده است که تیمور بختیار نیز در سال ۱۳۳۹ قصد داشت تا با کسب حمایت امریکایی‌ها طی کودتایی به ریاست جمهوری ایران برسد (عاقلی، ۱۳۸۰: ۲۷۷). وی در طول دهه ۱۳۴۰ در عراق اقدامات گسترده‌ای برای ایجاد جمهوری در ایران انجام داد، اما در سال ۱۳۴۹ ترور شد.

۴.۲. احزاب و گروه‌های سیاسی جمهوری خواه

به برخی مواضع و اقدامات جمهوری خواهانه حزب توده در دوره نخست‌وزیری مصدق اشاره شد. در اعترافات افسران سازمان نظامی حزب نیز به قصد این سازمان در تغییر رژیم و استقرار حکومت جمهوری در ایران اذعان شده بود (بختیار، ۱۳۳۴: ۲۹۰). با این حال به‌طور رسمی حزب توده در پلنوم‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۵۴ خود، براندازی سلطنت و استقرار جمهوری ملی دموکراتیک را با جهت سوسیالیستی تصویب کرد (اسناد و دیدگاه‌ها، ۱۳۶۰: ۶۶۱). حزب در اعلامیه خود در شهریور ۱۳۵۷ نیز شکل حکومت مورد نظر خود را جمهوری خواند. در پلنوم شانزدهم حزب توده اعلام جمهوری اسلامی تأیید شد (اسناد و اعلامیه‌ها، ۱۳۵۹: ۲۱ و ۹۷۰).

از دیگر احزابی که در این موضوع می‌توان به آن اشاره کرد، جمعیت نهضت آزادی است. نهضت در بیانیه‌ای در ۱۶ خرداد ۱۳۴۲ در اعتراض به واقعه ۱۵ خرداد خواستار سرنگونی رژیم شاه شد. این اقدام به بازداشت اعضای نهضت انجامید (یادنامه، ۱۳۶۲: ۳۸، ۵۶ و ۱۰۹). در دوران انقلاب و اندکی پس از آن مهندس بازرگان رهبر این نهضت خواهان تأسیس جمهوری دموکراتیک اسلامی شد (نجاتی، ۱۳۷۷: ۲۵۵؛ شورای انقلاب و دولت موقت، ۱۳۶۰: ۵۱؛ بازرگان، بی‌تا: ۷۳-۷۲). در شرایطی که بسیاری از احزاب و گروه‌ها در داخل آشکارا علیه شاه موضع می‌گرفتند، در خارج از کشور نیز اعضای کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی به‌رغم تفاوت‌ها در دیدگاه‌ها، در مخالفت با نظام سلطنتی و درخواست ایجاد جمهوری اتفاق نظر داشتند (شوکت، ۱۳۷۸: ۱۶).

در دهه‌های چهل و پنجاه غالب سازمان‌های مسلحانه در پی سرنگونی رژیم سلطنتی و تغییر شکل حکومت به جمهوری از طریق مبارزه مسلحانه بودند. در میان سازمان‌های معتقد به مشی مسلحانه، نخستین سازمانی که تغییر سلطنت به جمهوری را مطرح کرد، سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران بود (زیباکلام، ۱۳۷۸: ۲۴۱).

سازمان مجاهدین خلق ایران نیز همین مشی را دنبال کرد. با اوج‌گیری انقلاب، مجاهدین، سلطنت را مخالف صریح اسلام اعلام کردند (خاکسار و رستگار، ۱۳۵۸: ۳۴). سازمان پس از انقلاب از همه‌پرسی تغییر نظام از سلطنت به جمهوری اسلامی حمایت کرد. مجاهدین در انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری ابتدا آیت‌الله طالقانی و پس از درگذشت وی، امام خمینی را کاندیدای خود اعلام کردند (مجموعه اعلامیه‌ها و موضع‌گیری‌ها، بی‌تا: ۱۷۲). سرانجام مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری معرفی شد (مهم‌ترین موضع‌گیری‌های سیاسی، بی‌تا: ۱۰۷). با حذف رجوی از کاندیداتوری، سلسله تحولات بعدی و درگیری‌های سال ۱۳۶۰، سازمان مجاهدین خلق ایران از صحنه تحولات سیاسی کشور خارج شد.

نتیجه

مفهوم جمهوریت از اواسط عصر قاجار کم‌کم جای خود را در ذهن ایرانیان باز کرد. ایرانیان در پی مبارزه با استبداد که آن را در نهاد سلطنت یافتند به سمت جایگزینی جمهوری رفتند. جمهوری خواهی هرچند در صدد ایجاد نظامی جدید بود، در واقع بیشتر مفهومی سلبی بوده است تا ایجابی. ایرانیان می‌دانستند که استبداد را که در سلطنت نمود یافته بود نمی‌خواهند، اما نمی‌دانستند که جمهوری را که ذات آن دموکراسی و فرهنگ دموکراتیک برخاسته از نیاز به داشتن حق حاکمیت ملت است، چگونه باید پیگیری کنند. جمهوری خواهی ایرانی برخاسته از

خواستن - دموکراسی - نیست، بلکه ناشی از نخواستن - استبداد - است. از این رو جمهوریت با حذف سلطنت معنا می‌شود.

با نگاهی به تاریخ جمهوری خواهی در ایران درمی‌یابیم که انتقادات وارد از سوی جمهوری خواهان نه بر استبداد و فرهنگ استبداد پذیر ایرانی که بر شخص شاهان و خاندان‌های آنان بوده است. جمهوری خواهی عمدتاً تمایل به تغییر وضع موجود بود. تحولات جمهوری خواهانه نیز اغلب با محوریت یک فرد صورت می‌گرفت؛ از کوچک‌خان تا سردار سپه و از قاضی محمد تا محمد مصدق.

فقدان جامعه مدنی فعال در ایران مانع تحقق حاکمیت ملت شد و نظام‌های سیاسی به سمت اقتدارگرایی یا پوپولیسم سوق یافتند و همین امر نشان‌دهنده این مهم است که جمهوریت صرفاً به عنوان یک مفهوم وارد ادبیات سیاسی ایران شده و نتوانسته است به بخشی از فرهنگ سیاسی ایرانیان تبدیل شود.

منابع و مأخذ

۱. آبراهامیان، پرواند (۱۳۹۲)، ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری، محسن مدیر شانه‌چی، ج هجدهم، تهران: نشر مرکز.
۲. آپتون، جوزف ام (۱۳۵۹)، نگرشی بر تاریخ نوین ایران، ترجمه یعقوب آژند، بی‌جا: انتشارات نیلوفر.
۳. آذری، س ج (۱۳۴۹)، قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز، تهران: بنگاه صافی‌علیشاه.
۴. ----- (بی‌تا)، کلنل محمدتقی‌خان پسیان، بی‌جا: بنگاه صافی‌علیشاه.
۵. آدمیت، فریدون (۱۳۸۵)، اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار، ج سوم، تهران: خوارزمی.
۶. اتابکی، تورج (۱۳۸۵)، تجدد آمرانه: جامعه و دولت در عصر رضاشاه، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
۷. احمدی، حمید (۱۳۷۹)، تاریخچه فرقه انقلابی ایران و گروه ارانی، تهران: نشر آتیه.
۸. اسناد و اعلامیه‌های حزب توده ایران (۱۳۵۹)، تهران: انتشارات حزب توده ایران.
۹. اسناد و دیدگاه‌ها: حزب توده ایران از آغاز پیدایی تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ (۱۳۶۰)، بی‌جا: حزب توده ایران.
۱۰. افشاری، پرویز (۱۳۸۳)، نخست‌وزیران سلسله قاجاریه، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۱. الموتی، مصطفی (۱۳۶۷)، ایران در عصر پهلوی، واشنگتن، ج چهارم.
۱۲. امیرخسروی، بابک (۱۳۷۵)، نظر از درون به نقش حزب توده ایران، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۳. بازرگان، عبدالعلی (۱۳۶۱)، مشکلات و مسائل سال اول انقلاب از زبان رئیس دولت موقت، تهران: بی‌نا.
۱۴. بختیار، تیمور (۱۳۳۴)، کتاب سیاه: درباره سازمان افسران حزب توده، بی‌جا.
۱۵. بروجردی، حسین (۱۳۸۲)، ارانی فراتر از مارکس: پژوهشی پیرامون جریان ۵۳ نفر، تهران: انتشارات تازه‌ها.
۱۶. بزرگمهر، جلیل (۱۳۷۸)، مصدق در محکمه نظامی، ج سوم، تهران: انتشارات دوستان.
۱۷. بشیریه، حسین (۱۳۸۰) درس‌های دموکراسی برای همه، تهران: نگاه معاصر.
۱۸. بهار، محمدتقی (۱۳۷۲)، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران: انقراض قاجاریه، دو جلد، ج چهارم، تهران: امیرکبیر.
۱۹. بهرامی، روح‌الله (۱۳۸۰)، اسنادی از احزاب سیاسی ایران (حزب ایران و حزب سعادت ملی ایران)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. بیات، کاوه (۱۳۷۰)، صولت‌السلطنه هزاره و شورش خراسان در زمستان ۱۳۲۰، تهران: فروردین.
۲۱. ----- (۱۳۷۶)، کودتای لاهوتی: تبریز بهمن ۱۳۰۰، تهران: نشر شیرازه.

۲۲. ----- (۱۳۷۰ الف)، فعالیت‌های کمونیستی در دوره رضاشاه (۱۳۱۰-۱۳۰۰)، بی‌جا: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
۲۳. بیل، جیمز و ویلیام راجر لوئیس (۱۳۶۸)، مصدق، نفت و ناسیونالیسم در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات. تهران: نشر نو.
۲۴. پاولویچ، م و و. ترا و ایرانسکی (۱۳۵۷)، سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران، ترجمه م. هوشیار، چ دوم، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۲۵. جاوید، سلام‌الله (۱۳۵۹)، ایران سوسیال دموکرات (عدالت)، تهران: بی‌نا.
۲۶. جهانگیر میرزا (۱۳۲۷)، تاریخ نو، تهران: انتشارات علمی.
۲۷. حائری، عبدالهادی (۱۳۸۱)، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، چ سوم، تهران: امیرکبیر.
۲۸. خاکسار، م. ا. م. ص. رسنگار (۱۳۵۸)، تحلیلی از جنبش انقلابی خلق ایران، تهران: نشر ستاره انقلاب.
۲۹. خلیل ملکی به روایت اسناد ساواک (۱۳۷۹)، بی‌جا: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
۳۰. دشتی، علی (۱۳۵۴)، پنجاه‌وپنج، تهران: امیر کبیر.
۳۱. دکتر علی امینی به روایت اسناد ساواک (۱۳۷۹)، بی‌جا: مرکز بررسی اسناد وزارت اطلاعات.
۳۲. دهباشی، علی (۱۳۸۰)، خاطرات سیاسی دکتر فریدون کشاورز، چ دوم، تهران: نشر آبی.
۳۳. راین، اسماعیل (۱۳۵۷)، قیام جنگل: یادداشت‌های میرزا اسماعیل جنگلی، بی‌جا: سازمان انتشارات جاویدان.
۳۴. رحمانیان، داریوش (۱۳۷۹)، چالش جمهوری و سلطنت در ایران: زوال قاجار و روی کار آمدن رضاشاه، تهران: نشر مرکز.
۳۵. رواسانی، شاپور (۱۳۶۳)، نهضت میرزا کوچک‌خان و اولین جمهوری شورایی در ایران، تهران: چاپخش.
۳۶. رهنما، علی (۱۳۸۴)، نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی، تهران: گام نو.
۳۷. زعیم، کوروش (۱۳۷۷)، جبهه ملی از پیدایش تا کودتای ۲۸ مرداد، تویسرکان: نشر تاج.
۳۸. زیباکلام، صادق (۱۳۷۸)، مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، چ سوم، تهران: انتشارات روزنه.
۳۹. سفری، محمدعلی (۱۳۷۰)، مشروطه‌سازان، بی‌جا: نشر علم.
۴۰. سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج (۱۳۷۱)، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
۴۱. شمیم، علی‌اصغر (بی‌تا)، ایران در دوره سلطنت قاجار: قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم قمری، چ دهم، بی‌جا: بی‌نا.
۴۲. شورای انقلاب و دولت موقت از زبان مهندس بازرگان (۱۳۶۰)، تهران: انتشارات نهضت آزادی ایران.
۴۳. شوکت، حمید (۱۳۷۸)، کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی) از آغاز تا انشعاب، تهران: مؤسسه انتشارات عطایی.
۴۴. شفیفته، نصرالله (۱۳۶۴)، زندگی‌نامه و مبارزات سیاسی دکتر سید حسین فاطمی، تهران: آفتاب حقیقت.
۴۵. ضیاء‌ظریفی، حسن (بی‌تا)، حزب توده ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، بی‌جا.
۴۶. طلوعی، محمود (۱۳۷۲)، بازیگران عصر پهلوی: از فروغی تا فردوست، تهران: نشر علم، ج اول.
۴۷. طیرانی، بهروز (۱۳۷۶)، اسناد احزاب سیاسی ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۰ش)، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
۴۸. عاقلی، باقر (۱۳۸۰)، شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، سه جلد، تهران: نشر گفتار.
۴۹. عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۲)، بحران دموکراسی در ایران ۱۳۳۲-۱۳۲۰، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نودری، تهران: نشر البرز.
۵۰. غنی، سیروس (۱۳۷۷)، ایران: برآمدن رضاخان، برافتادن قاجارها و نقش انگلیسی‌ها، ترجمه حسن کامشاد، تهران: انتشارات نیلوفر.
۵۱. فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۱)، سردار جنگل میرزا کوچک‌خان، چ چهارم، بی‌جا: سازمان انتشارات جاویدان.
۵۲. فرزاد، شاهرخ (۱۳۸۶)، فرقه دموکرات آذربایجان از تخلیه تبریز تا مرگ پیشه‌وری، تهران: نشر اوحدی.
۵۳. فرمانفرمایان، حافظ (۱۳۴۱)، خاطرات سیاسی امین‌الدوله، تهران: کتاب‌های ایران.
۵۴. کاتوزیان طهرانی، محمدعلی (۱۳۷۹)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵۵. کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۲)، مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.
۵۶. کاظم‌زاده ایرانشهر، حسین (۱۳۰۳/۱۰/۱۳)، «جمهوریت و انقلاب اجتماعی»، ایرانشهر، سال اول.
۵۷. کدیور، جمیله (۱۳۷۸)، تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران، تهران: طرح نو.

۵۸. کرونین، استفانی (۱۳۷۷)، ارتش و حکومت پهلوی، ترجمه غلامرضا علی بابایی، تهران: خجسته.
۵۹. کریمی، بهنام (۱۳۸۰) آسیب‌شناسی نهضت جنگل [پایان‌نامه کارشناسی ارشد] تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
۶۰. کسروی، احمد (۱۳۷۸)، تاریخ انقلاب مشروطه ایران، چ نوزدهم، تهران: امیرکبیر.
۶۱. کشاورز، فریدون (۱۳۵۷)، من متهم می‌کنم کمیته مرکزی حزب توده را، چ سوم، تهران: انتشارات رواق.
۶۲. لیبست، سیمومارتین (۱۳۸۳)، دایره‌المعارف دموکراسی، ترجمه کامران فانی و نورالله مرادی، چ دوم، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، چ دوم.
۶۳. متولی حقیقی، یوسف (۱۳۸۰)، از تبریز تا مشهد: پژوهشی پیرامون زندگی و قیام کلنل محمدتقی‌خان پسیان، مشهد: بانگ قلم.
۶۴. مجموعه اعلامیه‌ها و موضع‌گیری‌های سازمان مجاهدین خلق ایران (۲) (۱۳۵۸)، بی‌جا: انتشارات سازمان مجاهدین خلق.
۶۵. مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۶۹)، تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶۶. مرادی مراغه‌ای، علی (۱۳۸۲)، از زندان رضاخان تا صدر فرقه دموکرات آذربایجان، تهران: نشر اوحدی.
۶۷. مستوفی، عبدالله (۱۳۴۳)، شرح حال زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه: از کابینه قرارداد و ثوق‌الدوله تا آخر مجلس مؤسسان، چ دوم، تهران: انتشارات زوار، چ سوم.
۶۸. مصدق، محمد (۱۳۶۹)، خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق، تهران: انتشارات علمی.
۶۹. مصلی‌نژاد، غلامعباس (۱۳۸۳ الف)، پایان جمهوری‌خواهی در ایران، تهران: نشر قومس.
۷۰. ----- (۱۳۸۳ ب)، جمهوری‌خواهی در ایران، تهران: نشر قومس.
۷۱. مکی، حسین (۱۳۸۰)، تاریخ بیست‌ساله ایران، چ ششم، تهران: انتشارات علمی، چ اول و دوم.
۷۲. ملایی توانی، علیرضا (۱۳۸۱)، مشروطه و جمهوری: ریشه‌های نابسامانی نظم دموکراتیک در ایران ۱۲۸۴-۱۳۰۵، تهران: نشر گستره.
۷۳. ملکزاده، مهدی (۱۳۲۹)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: کتابخانه سقراط، چ دوم.
۷۴. ملیکف، اس (۱۳۵۸)، استقرار دیکتاتوری رضاخان در ایران، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: کتاب‌های جیبی.
۷۵. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (۱۳۷۰)، سازمان و سیاست حزب توده از آغاز تا فروپاشی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چ اول.
۷۶. ----- (۱۳۸۵)، جریان‌های فکری مشروطیت، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۷۷. مهدی‌نیا، جعفر (۱۳۶۳)، زندگی سیاسی رزم‌آرا، تهران: نشر گیتی.
۷۸. ----- (۱۳۸۱)، زندگی سیاسی سید ضیال‌الدین طباطبائی، چ دوم، تهران: انتشارات امیدفردا.
۷۹. مهم‌ترین موضع‌گیری‌های سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران (بی‌تا) (بی‌جا): انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران.
۸۰. میرزاصالح، غلامحسین (۱۳۶۹)، جنبش میرزا کوچک‌خان بنابر گزارش‌های سفارت انگلیس در تهران، تهران: نشر نو.
۸۱. نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۱)، تاریخ بیست‌وپنج ساله ایران: از کودتا تا انقلاب، دو جلد، چ سوم، تهران: رسا.
۸۲. ----- (۱۳۷۷)، خاطرات بازرگان: شصت سال خدمت و مقاومت، تهران: رسا، چ دوم.
۸۳. ----- (۱۳۷۶)، مصدق: سال‌های مبارزه و مقاومت، دو جلد، تهران: رسا.
۸۴. نجفی، موسی (۱۳۷۶)، بنیاد فلسفه سیاسی در ایران (عصر مشروطیت)، تهران: نشر مرکز دانشگاهی.
۸۵. ----- (۱۳۵۹)، مصدق مبارز بزرگ، تهران، بی‌جا: بی‌نا.
۸۶. نکوروح، محمود (۱۳۷۷)، نهضت خدایپرستان سوسیالیست، تهران: انتشارات چاپخش.
۸۷. هدایت، مهدیقلی‌خان (۱۳۸۵)، خاطرات و خطرات، چ چهارم، تهران: انتشارات زوار.
۸۸. ----- (۱۳۶۳)، طلوع مشروطیت، تهران: انتشارات جام.
۸۹. یادنامه بیست‌مین سالگرد نهضت آزادی ایران (۱۳۶۲)، بی‌جا: نهضت آزادی ایران.
۹۰. یعقوبی، رضا (۱۳۷۷)، زندگی‌نامه علی‌اکبر دهخدا با تأکید بر جنبه سیاسی آن، بی‌جا: انتشارات زهد.